

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جورجیو کافایرو
فرستنده: طاهر باختری
۰۶ سپتمبر ۲۰۲۴



Giorgio Caferio

اتهامات جدید علیه محمد بن سلمان از سوی غرب رد نشده و بدون پرسان باقی می ماند



(Photo Credit: The Cradle)

اتهامات حیرت‌انگیز تازه در مورد ولیعهد سعودی با سکوت معمول دولت‌های غربی، که به‌خاطر عادی‌سازی روابط با تل‌آبیب چشم خود را می‌بندند، مواجه شده است. در اوایل ماه جاری، رسانه‌های امریکائی و بریتانیائی در تیتراهای خود انبوهی از اتهامات حیرت‌انگیز جدیدی را علیه محمد بن سلمان، (MBS) ولیعهد سعودی مطرح کردند. سعد الجابری، یکی از مقامات ارشد سابق اطلاعاتی عربستان سعودی، محمد بن سلمان را به جعل امضای ملک سلمان برای اعزام نیروی زمینی به یمن در سال ۲۰۱۵، و توطئه برای قتل ملک عبدالله پادشاه پیشین برای باز

کردن راه سلطنت پدرش، متهم کرد. این ادعاهای شگفت‌انگیز در مستند بی‌بی‌سی، «پادشاهی: قدرتمندترین شاهزاده جهان» (The Kingdom: The World's Most Powerful Prince) نمایش داده شد و موج جدیدی از بررسی‌ها را در مورد اقدامات بحث‌برانگیز محمد بن‌سلمان در طول به قدرت رسیدن او برانگیخت. نشریات و روزنامه‌های مهم بریتانیایی، مانند سان و تایمز، به سرعت به این ماجرا پرداختند و تیترهایی مانند «محمد بن‌سلمان شاهزاده سعودی امضای پدرش را برای شروع حمله به یمن جعل کرد» را برجسته کردند. بررسی مجدد محمد بن‌سلمان با انفعال غرب مواجه شد

این مقالات در روزنامه‌ها، موجب شعله‌ور شدن بحث‌هایی در مورد حکومت محمد بن‌سلمان شد و بار دیگر دخالت وی در جنگ یمن، محاصره قطر، «باج‌گیری» بدنام هتل ریتز کارلتون از میلیاردرها و مقامات سعودی، و قضیه ۲۰۱۷ که در آن سعد حریری، نخست‌وزیر لبنان، مجبور به استعفاء در تلویزیون عربستان شد، را تازه ساخت. در حالی که قتل قریب شش سال پیش جمال فاشقچی در کنسولگری عربستان سعودی در استانبول هنوز در حافظه عمومی باقی مانده است، این اتهامات جدید، سال‌های بحث برانگیز اوایل به قدرت رسیدن ولیعهد به‌عنوان حاکم واقعی پادشاهی را دوباره مورد توجه قرار داده است.

با این حال، کارشناسانی که با وبلاگ کریدل صحبت می‌کنند معتقد نیستند که این مقالات درباره اتهام الجابری به‌هیچ‌وجه بخشی از یک کمپین اطلاعاتی تحت رهبری ایالات متحده یا بریتانیا، که برای تحت فشار قرار دادن محمد بن‌سلمان طراحی شده باشد، نیست.

دکتر ویلیام لارنس، استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در دانشکده امریکائی خدمات بین‌الملل، گوید: «فکر نمی‌کنم دولت ایالات متحده در حال حاضر هیچ علاقه‌ای به اعمال فشار بر محمد بن‌سلمان داشته باشد — قطعاً نه ... به این شکل در حال حاضر، یا به هر طریق دیگری». او اضافه می‌کند: من می‌دانم که افرادی در ایالات متحده و بریتانیا هستند که به اعمال فشار بر محمد بن‌سلمان، از به قدرت رسیدن او و اخراج‌های بعدی تا قتل فاشقچی، ادامه می‌دهند. این افراد به‌نوعی در رسانه‌ها آیند و روند، و من این را فقط آمدن این افراد در رسانه‌ها می‌نامم. امریکائی‌ها و بریتانیائی‌ها هم در میان این اقشار هستند که برخی از آنها با هر دو دولت ارتباط دارند. اما هیچ تلاش دولتی در اینجا انجام نمی‌شود.

همین امر در مورد دولت بریتانیا نیز صدق می‌کند. به گفته تحلیل‌گران، سیاستگذاران لندن در حال حاضر انگیزه‌ای برای اعمال فشار بر محمد بن‌سلمان یا عربستان سعودی به‌عنوان یک کشور ندارند.

دکتر آندریاس کریگ، دانشیار در کینگز کالج لندن، به وبلاگ کریدل توضیح می‌دهد: «انگلیس، حداقل در حال حاضر، جدا از مسایل حقوق بشر، هیچ مشکل واقعی با عربستان سعودی محمد بن‌سلمان ندارد.» او همچنین توضیح می‌دهد که «دولت بریتانیا در رابطه با عربستان از نظر نحوه برقراری ارتباط، نحوه تعامل آنها در زمینه تجارت و همچنین امنیت، دیدگاهی نسبتاً مثبت دارد. روابط بین بریتانیا و ریاض در سال‌های اخیر بسیار سازنده‌تر از شش یا هفت سال پیش بوده است. بنابراین، هیچ دلیلی وجود ندارد که بریتانیا در این مرحله بر محمد بن‌سلمان فشار بیاورد.»

دکتر کریستین کوتس اولریخسن، یکی از همکاران خاورمیانه در سیاست عمومی انستیتو بیکر دانشگاه رایس، در مورد حمله اخیر رسانه‌ای علیه محمد بن‌سلمان، می‌گوید: روزنامه‌نگاران در مورد اتهامی گزارش کردند که «الجابری» در یک مستند بی‌بی‌سی مطرح کرد و به‌علت ماهیت این اتهام، دارای ارزشی خبری تلقی شد. در خود مستند چندین صدای طرفداری از رژیم هم شنیده شد و در مجموع ارزیابی کلی از محمد بن‌سلمان متعادل بود.

پراگماتیسم به جای اصول

امریکا و عربستان سعودی مدت‌هاست که بر سر طیفی از مسائل حساس منطقه‌ای و بین‌المللی، از جمله اوکراین، غزه، عادی‌سازی روابط با اسرائیل، سوریه، و اوپک پلاس، با یک دیگر اختلاف‌نظر دارند. این اختلافات منجر به تنش‌های قابل‌توجهی در روابط واشنگتن و ریاض شده است. در اصل، عربستان سعودی عزم خود را برای پیگیری یک سیاست خارجی نشان داده است که به‌طور فزاینده‌ای مستقل از امریکا است و در دنیایی که به‌طور فزاینده‌ای چند قطبی شود، کمتر غرب‌گراست. اما حتی اگر سیاست‌گذاران ایالات متحده از این موضوع ناراضی باشند، آنها فاقد اهرمی برای تغییر رفتار عربستان سعودی‌اند، به‌ویژه با توجه به این‌که در بحبوحه تشدید درگیری‌ها در غرب آسیا، به‌طوری فزاینده به همکاری ریاض متکی هستند.

واکنش عربستان به تهاجم روسیه به اوکراین حکایت از عزم ریاض برای ترسیم مسیر خود در صحنه بین‌المللی و حرکت در جهانی چندقطبی به شیوه‌هایی دارد که رهبران پادشاهی آن را برای منافع عربستان سودمندتر می‌دانند. عربستان سعودی نه تنها از اجرای تحریم‌های غرب علیه مسکو اجتناب ورزید، بلکه با روسیه در مورد سیاست‌های انرژی از طریق اوپک پلاس هماهنگی داشت، و حتی در اولین سفر ولادیمیر پوتین به غرب آسیا پس از فبروری ۲۰۲۲، میزبان رئیس‌جمهور روسیه بود. علاوه بر این، مقامات سعودی هنگام بحث در مورد مناقشه از اشاره به «تهاجم» روسیه خودداری می‌کنند.

علی‌رغم این اصطکاک‌ها، واشنگتن ناراضی‌های خود را علناً اعلام نمی‌کند. در حالی که جو بایدن در طول مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۱۹ وعده داد که در پاسخ به نگرانی‌های حقوق بشر، با عربستان سعودی به‌عنوان یک کشور «طرد شده» رفتار کند، اما دولت او از آن زمان رویکرد عمل‌گرایانه‌تری اتخاذ کرده و از نزدیک با پادشاهی همکاری کرده است. در واقع، کاخ سفید عربستان سعودی را به‌عنوان یک کشور «کنار» نگذاشته است. ایالات متحده می‌بیند که ریاض کارت‌های ویژه‌ای را در اختیار دارد و به‌طور منحصر به فردی برای کمک به واشنگتن به‌منظور پیشبرد منافع آن در بسیاری از زمینه‌ها واجد شرایط است. تیم بایدن به‌جای اعمال فشار بر پادشاهی، کارهای زیادی برای تأمین منافع عربستان انجام داده است. تصمیم اخیر برای از سرگیری فروش تسلیحات تهاجمی به ریاض گویای این موضوع است.

محدودیت‌های نفوذ ایالات متحده

علی‌رغم تلاش‌های دولت بایدن برای گسترش دامنه توافقنامه ۲۰۲۰ ابراهیم، ریاض مصمم است بر موضع دیرینه خود مبنی بر این‌که عادی‌سازی روابط با اسرائیل تنها پس از پایان (و نه قبل از) اشغال وحشیانه و غیرانسانی اسرائیل از سرزمین‌های فلسطین و تشکیل یک کشور فلسطینی بر اساس مرزهای ۱۹۶۷، ممکن است، پای‌بند بماند.

اگرچه تیم بایدن به‌دنبال وارد کردن سایر کشورهای عربی، از جمله لیبیا، به توافق ابراهیم بوده است، اما کاخ سفید بیشترین تمرکز را بر عادی‌سازی روابط عربستان سعودی با اسرائیل داشته است — و بایدن مدت‌هاست که می‌خواهد این امکان تحقق‌نیافته بخش مرکزی میراث سیاست خارجی او باشد. با توجه به نقش رهبری عربستان سعودی در جهان عربی - اسلامی، منابع عظیم انرژی و جغرافیا، رسمی کردن روابط ریاض با تل ابیب یک پیروزی بزرگ برای واشنگتن از نقطه‌نظر ادغام اسرائیل در منطقه خواهد بود.

در نهایت، کاخ سفید عربستان سعودی را کشوری بسیار مهم و تأثیرگذار می‌بیند که ایالات متحده نمی‌تواند آن را کنار بگذارد.

باید با کنار گذاشتن سریع لفاظی‌های انتخاباتی خود علیه ولیعهد سعودی، پنج ماه پس از حمله روسیه به اوکراین، سفری بحث‌برانگیز به جده انجام داد و لحظه معروف «به هم زدن مشت» * خود را با محمد بن سلمان داشت. گوردون گری به‌عنوان سفیر سابق ایالات متحده در تونس به وبلاگ کریدل می‌گوید: «ملاقات پرزیدنت بایدن با محمد بن سلمان در جده ... [در] جولای ۲۰۲۲ ... منعکس‌کننده این شناخت او بود که اگر بخواهد منافع امنیتی ایالات متحده را در خاورمیانه پیش ببرد، دیگر نمی‌تواند با عربستان سعودی، آن‌طور که در نومبر ۲۰۱۹ به‌عنوان نامزد ریاست جمهوری پیشنهاد کرده بود، مانند یک کشور "طرد شده" رفتار کند.»

دکتر آنل شلین، پژوهشگر برنامه خاورمیانه در مؤسسه کوئینسی برای امور دولتی مسؤلیت‌پذیر، در این باره می‌گوید: «تیم بایدن به‌وضوح به این نتیجه رسیده است که سابقه حقوق بشر محمد بن سلمان، همان‌طور که تصمیم برای مجوز مجدد فروش به اصطلاح تسلیحات تهاجمی به سعودی‌ها نشان داد، دیگر یک نگرانی انگیزشی نیست.»

فشار برای عادی سازی روابط با اسرائیل

دولت بایدن برای عربستان سعودی به‌عنوان یک بازیگر کلیدی که واشنگتن باید با آن همکاری کند، هم در محدود کردن تأثیر جنگ غزه در سراسر غرب آسیا و هم در مهار محور مقاومت منطقه و همچنین برای پایان دادن به درگیری در سودان، ارزش قائل خواهد بود.

اگر جنگ اسرائیل علیه غزه قبل از پایان دوره ریاست جمهوری بایدن به پایان برسد، تیم او به‌دنبال عادی‌سازی روابط بین ریاض و تل‌آویب بر خواهد آمد — و سواست این دولت، بقیه نهادهای سیاسی واشنگتن و اسرائیل. صرف‌نظر از این‌که کامالا هریس، معاون رئیس‌جمهور، یا دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق، کدامیک در اوایل سال ۲۰۲۵ وارد دفتر بیضی شکل کاخ سفید شوند، این تلاش تحت رهبری ایالات متحده برای وارد کردن پادشاهی به توافقنامه ابراهیم، بخش مهمی از سیاست خارجی واشنگتن در غرب آسیا باقی خواهد ماند، حتی اگر با توجه به امتناع اسرائیل از دادن امتیازات حداقلی به فلسطینیان، چنین توافقی غیرواقعی به‌منظر برسد.

مقامات امریکائی به‌خوبی می‌دانند که هرگونه کمپین اطلاعاتی تحت رهبری دولت برای تحقیر محمد بن سلمان از نقطه‌نظر تلاش برای وارد کردن عربستان سعودی به اردوگاه عادی‌سازی اسرائیل، نتیجه معکوس خواهد داشت. در همین حال، پرونده الجابری همچنان در کانادا، جایی که او از زمان شورش کاخ در سال ۲۰۱۷ در آنجا زندگی می‌کرد، ادامه دارد. زمانی که یک مقام سابق اطلاعاتی سعودی مانند الجابری اتهامات جدی علیه محمد بن سلمان مطرح می‌کند، قابل درک است که چرا بسیاری از روزنامه‌نگاران این ادعاها را گزارش می‌دهند.

الجابری انگیزه‌های خاص خود را دارد و می‌خواهد اطمینان حاصل کند که حتی با ظهور محمد بن سلمان به‌عنوان یک دولتمرد جهانی، غرب جنبه‌های خاصی از صعود او به قدرت را فراموش نمی‌کند. روزنامه‌نگاران، فعالان و شهروندان نگران در غرب، که مخالف برخورد دولت‌هاشان با محمد بن سلمان و استقبال از او در کشورهاشان هستند، مشتاق ادامه فشار بر ولیعهد سعودی هستند.

در حالی که سیاست‌گذاران غربی، به‌ویژه در ایالات متحده و بریتانیا، در این زمان هیچ قصد آشکاری برای فشار بر محمد بن سلمان نشان نمی‌دهند، عناوین توهین‌آمیز رسانه‌های هفته گذشته حمله‌ای به رهبر سعودی بود که کلید بسیاری از منافع غرب را در دست خود دارد.

منبع: ویلاگ کریدل، ۳۱ اگست ۲۰۲۴ -

<https://thecradle.co/articles/new-allegations-against-mbs-go-unchallenged-by-the-west>

*مشت به هم زدن — در زمان همهگیری کرونا مرسوم شد که به جای دست دادن، مشت ها را به هم می زدند.